Archive of SID

ارزیابی توجیه‌پذیری خلق پول به وسیله سیستم بانکی در نظام بانکداری اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹٤/۱۰/۲۷ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/٤/۱٤

حسن سبحانی*
حسین درودیان**

چکیده

قابلیت خلق پول به وسیله بانک‌های تجاری، این سؤال را به وجود می‌آورد که آیا این پدیده از دیدگاه ارزش‌ها و اهداف اقتصادی اسلام قابل دفاع و تأیید است؟ مخالفان خلق پول بانکی آن را ضد ثبات، نقض‌کننده اصول اخلاقی، ناعادلانه، ناقض قدرت دولت در اعمال حق حاکمیتی انتشار پول و محرک فعالیت‌های فاقد اولویت اجتماعی معرفی کرده و مدافعان بر مزایای آن به‌ویژه فراهم‌سازی اعتبار برای بسط تولید پافشاری می‌کنند.

متفکران مسیحی بر این عقیده هستند که خلق پول بانکی از جهت سازگاری با ملاک‌های دینی مردود است. در ادبیات اقتصاد اسلامی نیز گرایش غالب در بین محققان، رد توان خلق پول به وسیله نظام بانکی از حیث سازگاری با معیارهای دینی است. پژوهش پیش رو با پافشاری بر دو معیار اصلی عدالت و مولدیت، خلق انعطاف‌پذیر پول به وسیله نظام بانکی را به صورت بالقوه امکانی در جهت گسترش تولید و تحقق هدف آبادانی معرفی کرده؛ اما میزان فعلیت‌یافتن آن را موضوعی مرتبط با عوامل مؤثر بر مقصد تخصیص اعتبارات بانکی می‌داند. از دیدگاه معیار عدالت، خلق پول بانکی به جهت اتکای به امتیازات تبعیض‌آمیز و همچنین آثار توزیعی منفی، در هر دو معنای برابری در فرصت‌ها و توازن در نتایج، مردود ارزیابی شد؛ ازاین‌رو همسوسازی خلق پول بانکی با اغراض اقتصادی دین، مستلزم تمهید سازوکارهایی جهت تطابق مقصد اعتبارات بانکی با اولویت‌های اجتماعی، تخفیف آثار منفی توزیعی، در کنار بازشناسی سهم دولت (جامعه) از سهم بانک در منافع خلق پول و مالیات‌ستانی آن است.

واژگان کلیدی: *خلق پول، بانک، عدالت، قضاوت ارزشی، دولت.*
طبقه‌بندی JEL: E51، Z12.

* استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران. Email: sobhanihs@ut.ac.ir.
** فارغ‌التحصیل دکترای اقتصاد دانشگاه تهران و پژوهشگر مؤسسه مطالعات و تحقیقات مبین. Email: h_doroodian@yahoo.com.

www.SID.ir

Archive of SID

مقدمه

ادبیات بانکداری اسلامی بیشتر درباره موضوع «بهره» و نحوه اصلاح رابطه حقوقی بانک با مشتریان به‌نحوی‌که مستلزم قرض با بهره نباشد، سامان یافته است. چارچوب‌های جایگزین پیشنهادی برای بانکداری اسلامی به لحاظ میزان انحراف از رویّه مرسوم بانکداری دو گونه‌اند: رویکرد نخست جوهره بانکداری اسلامی را «مشارکت در سودوزیان» و لذا به‌طوراساسی متفاوت از بانکداری متعارف تلقی کرده و رویکرد دوم بانکداری اسلامی را به صورت ریشه‌ای متمایز از بانکداری متعارف نپنداشته و می‌کوشد با استفاده از ظرفیت‌های فقهی و ایجاد اصلاحات و تغییراتی عمدتاً حقوقی در بانکداری متعارف، موارد ناسازگاری آن با محرّمات فقهی را چاره و آن را به رویّه متعارف بانکداری نزدیک کند.* در این‌دو رویکرد، مسئله «خلق پول» موضوعی کلیدی نبوده، بلکه دغدغه اصلی، مربوط به ماهیت فقهی ـ حقوقی تعامل بانک با مشتریان است.

بنابراین میزان سازگاری جریان خلق پول به وسیله بانک‌های تجاری با اهداف و مقاصد دینی موضوعی درخور توجه مستقل است؛ خلق پول به وسیله بانک‌ها مانند بسیاری رویّه‌های متعارف اقتصادی، از دیدگاه احکام فقهی چندان نمی‌تواند محل سؤال و اشکال باشد؛ یک بانکِ بدون ربا منطقاً قادر است در عین التزام به قواعد ناظر بر غیرربوی بودن، خلق پول کند؛ اما سؤال قابل طرح که محور مقاله پیش رو را شکل می‌دهد، این است که آیا رویّه خلق پول بانکی خودْ با اهداف و مقاصد اقتصادی برگرفته از دین، هم‌گرا و هم‌راستاست؟ این شیوه طرح موضوع یعنی ارزیابی موضوع خلق پول، نه از دیدگاه فقهی بلکه از جهت تلائم با اغراض اقتصادی دین، تمایز این مطالعه با مباحث متعارف در حوزه بانکداری اسلامی محسوب می‌شود. ادبیات موضوع گویای آن است که این موضوع پیش‌تر به صورت اجمالی مورد توجه برخی محققان اقتصاد اسلامی و اندیشمندان مسیحی نیز قرار گرفته است؛ علاوه بر پایگاه‌های دینی، خلق پول بانکی از سوی برخی مکاتب و محققان اقتصادی نیز مورد قضاوت ارزشی قرار گرفته است. این پژوهش به روشی کیفی

*. برای یافتن تبیین و تشریح بیشتر درباره رویکرد اول ر.ک به: توتونچیان، ۱۳۷۹ و رویکـرد دوم ر.ک بـه: موسویان، ۱۳۹۰.

www.SID.ir

Archive of SID

(غیرکمی) با تعمق در ادبیات موضوع و متکی به استدلال و بررسی کیفی تلاش می‌کند پاسخی مستدل به سؤال مطرح‌شده ارائه کند.

مقاله به این شکل سامان‌دهی شده که پس از بیان مقدمه، به‌طورمختصر به تبیین موضوع‌شناختی چیستی خلق پول به وسیله نظام بانکی پرداخته و سپس به‌طوراجمالی ادبیات موضوع قضاوت‌های ارزشی اقتصاددانان و مکاتب اقتصادی در باب خلق پول بانکی مرور شده است؛ در بخش بعد و پیش از ورود به ادبیات اقتصاد اسلامی، به قضاوت‌های ارزشی مسیحیان درباره خلق پول بانکی اشاره شده و سپس تقریری از مطالعات موجود در ادبیات اقتصاد اسلامی با طرح مهم‌ترین ادعاهای نویسندگان ارائه می‌شود؛ پس از آن قضاوت ارزشی خود از توجیه‌پذیری خلق پول بانکی ارائه شده و درنهایت مهم‌ترین دستاوردهای پژوهش و توصیه‌های سیاستی به صورت خلاصه ارائه خواهد شد.

چیستی خلق پول بانکی

در اقتصادهای امروزی بخش مهمی از پول در جریان، بدهی بانک‌های خصوصی است؛ این واقعیت، محصول تکامل تحولات متأخر پولی در اروپای غربی و آمریکای شمالی است؛ مهم‌ترین تحولات منتهی به وضعیت کنونی به انگلستان منتسب می‌شود، جایی که در آن زرگرها (Goldsmiths) در قرن هفدهم جایگاهی ویژه در نگهداری مسکوکات و سپس انتشار رسید سپرده یافتند؛ زرگرها به فاصله کوتاهی به جهت ماندگاری سپرده‌های مسکوکات، به انتشار چندبرابری رسید (نسبت به ذخیره مسکوکات) روی‌آوردند (Greenham et al, 2012, p.66)؛ ازاین‌زمان بانکداری مدرن با شیوه‌ای موسوم به ذخیره جزئی (Fractional-Reserve) تکامل یافت، به‌این‌معنا که بدهی منتشره به وسیله بانک (در آن زمان به شکل رسید) به وسیله پشتوانه‌ای جزئی از ذخایر حمایت می‌شد. لزوم واکنش در برابر بحران‌های پولی (و شاید وجود انگیزه‌های انحصارگرایانه)، دولت‌ها را در نیمه دوم سده نوزدهم واداشت تا از انتشار آزادانه رسید به وسیله بانک‌ها جلوگیری کرده و آن را در انحصار یک بانک مورد حمایت خود (بانک‌های مرکزی اولیه) قرار دهند؛ اما این تدبیر دولت به سبب تغییر در شکل بدهی بانکی، خنثی شد (Fisher, 1936, p.17)؛ این‌بار

www.SID.ir

Archive of SID

«سپرده‌های بانکیِ» قابل خرج‌کردن با چک، در عرض اسکناس دولت، به عنوان یک وسیله پرداخت جدید پدیدار شد؛ مجدداً بحران‌های بانکی در دوره منتهی به رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰، دولت را جهت تحقق هدف برقراری ثبات، این‌بار به واکنشی متفاوت واداشت: «حمایت و تضمین بدهی‌های بانکی (سپرده‌ها) جهت ایجاد اطمینان در نظام پرداخت». قواعدی نظیر بیمه سپرده و دیگر تضمین‌ها بر بدهی بانک‌ها (سپرده‌ها) از این زمان پیدا شد؛ ازآن‌پس شاکله نظام پولی به این ترتیب قوام یافت که بخش عمده پول در جریان، بدهی بانک‌های خصوصی است که بانک‌ها در قبال آن ذخایری جزئی از پول بانک مرکزی نگه می‌دارند.

خلق پول بانکی در معنای صحیح بر قابلیت وام‌دهی (و سپرده‌آفرینی) بانک، مقدم بر سپرده‌گیری و اکتساب ذخایر دلالت دارد؛ زمانی که بانک وام اعطا می‌کند، که مترادف با افزودن بر حساب سپرده شخص وام‌گیرنده است، این پول افزوده‌شده به حساب وام‌گیرنده از حساب‌های سپرده قبلی پرداخت نشده و موجودی ذخایر بانک را نمی‌کاهد، بلکه این قدرت خرید (پول) به‌تازگی خلق‌شده است. ممکن است گفته شود خرج‌کردن وام اعطایی به شکل خروج سپرده از بانکِ وام‌دهنده، بانک را در معرض فشار ازدست‌دادن ذخایر قرار خواهد داد؛ نکته ظریف در اینجا این است که ازآنجاکه بانک‌ها معمولاً به صورت جمعی و مشابه (ناشی از یک محرک مشترک اقتصاد کلانی) اقدام به بسط (و قبض) وام‌دهی می‌کنند، به جهت برابری متوسط مطالبات و بدهی‌های بانک‌ها در تسویه بین‌بانکی، قدرت سازوکار تسویه بین‌بانکی در محدود کردن بسط خلق پول بسیار محدود خواهد بود، ذخایر مورد نیاز برای تأمین ذخیره قانونی متناسب با سپرده به‌تازگی ایجادشده نیز به صورت درون‌زا قابل‌دسترسی و عرضه است؛ لذا در فهم صحیح از خلق پول، این وام‌های بانکی است که سپرده‌ها را می‌سازد؛ عرضه ذخایر متناسب با سپرده‌های جدید یا به صورت غیرعاملی توسط دولت طی عملیات پولی‌کردن کسری بودجه صورت می‌گیرد یا بانک مرکزی برای تثبیت نرخ بهره آن را عرضه خواهد کرد و یا در بدترین حالت منجر به استقراض بانک‌ها از بانک مرکزی خواهد شد؛ درهرحال، کنش نظام بانکی مستقل و مقدم بر کنش حکمرانی پولی است (Greenham et al, 2012, pp.113&147).

www.SID.ir

Archive of SID

قوام این جریان بر پذیرفتگی بدهی بانک‌ها به عنوان وسیله پرداخت و عدم تسویه یکجا و نقدی سپرده‌هاست؛ این پذیرفتگی بدان معناست که بانک‌ها قادرند با شارژکردن موجودی حساب سپرده‌ها (از طریق وام‌دهی یا خرید دارایی) سپرده (پول) جدید ایجاد کنند، بدون اینکه بیمی از تسویه خالص آن داشته و نظام ذخیره‌گیری مانعی بازدارنده در برابر کنش جمعی آنها باشد؛ آنچه این حقیقت را ممکن می‌سازد، پذیرفتگی عمومی بدهی بانک به عنوان وسیله پرداخت رایج است.

مرور ادبیات موضوع ارزش‌داوری در خصوص خلق پول بانکی

محوریت پول بانکی و به حاشیه‌رفتن پول دولت در اقتصادهای امروزی، واکنش‌ها و قضاوت‌های نسبتاً وسیع و متفاوتی را برانگیخته است؛ به‌طورکلی در ادبیات موضوع می‌توان دو نگاه مخالف و موافق نسبت به این پدیده را شناسایی کرد؛ دیدگاه‌های مخالف، هم از جهت کثرت آثار و هم غلظت مخالفت، دارای برجستگی بیشتری به نظر می‌رسند و در مقابل، دیدگاه‌های موافق به مزایای خلق پول بانکی اشاره می‌کنند:

دیدگاه‌های مخالف

مخالفت اقتصاددانان با خلق پول بانکی با استناد به معیارهای مختلفی صورت گرفته است؛ بیشترین حجم مخالفت مربوط به گرایش این وضعیت به ایجاد بی‌ثباتی است؛ منتقدان، بانکداری ذخیره جزئی را ذاتاً بی‌ثبات و مخاطره‌انگیز می‌دانند؛ زیرا بانک ممکن است با خروج یکجای درصد معنی‌داری از سپرده‌ها یا نکول وسیع تسهیلات اعطایی مواجه شود؛ بدهی بانک (سپرده‌ها) درحالی به عنوان پول رایج، فاقد ریسک و تضمین‌شده است که دارایی‌های او (تسهیلات اعطایی) در معرض ریسک نکول قرار دارد (Rothbard, 2008, p.99)؛ این ریسک دائمی در کنار قابلیت تسری بحران از یک بانک به کل نظام، بانکداری را مستعد شکنندگی می‌سازد؛ عامل دیگر در ایجاد بی‌ثباتی از ناحیه خلق پول بانکی مربوط است به وجود گرایش‌های موافق‌سیکلی در قبض و بسط پول بانکی؛ این در حالی است که بانک‌ها به صورت مجزا و هماهنگ‌نشده بر اساس نفع خصوصی تصمیم می‌گیرند و لذا

www.SID.ir

Archive of SID

مسئولیت بروز یا تشدید سیکل‌های تجاری بر عهده هیچ‌یک از آنها نیست (Werner et al, 2011, p.20).

دومین محور اساسی در بین مخالفان، مربوط به دغدغه‌های عدالت‌جویانه است. نبود سنخیت بین ساختار دارایی و بدهی بانک‌ها از حیث ریسک، نقدشوندگی و دوره زمانی، آنها را به سوی وابستگی به دولت و اتکای به حمایت او سوق می‌دهد؛ حاکمیت نیز از بیم بروز بحران‌های بانکی، به تعبیه اهرم‌های حمایتی جهت اطمینان‌بخشی به بدهی بانک‌ها می‌پردازد؛ تمهیداتی نظیر تضمین (بیمه) سپرده و امکان دسترسی به ذخایر، به معنای آن است که بانک‌ها عمل سودجویانه خلق پول را به اتکای حمایت و سوبسید پنهان دریافتی از دولت انجام می‌دهند (Ibid, p.21). در نگاه این منتقدان، بانکداری درعمل به مصادره حمایت دولت در راستای نفع‌جویی خصوصی اقدام کرده و ریسک خود را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به گرده جامعه می‌اندازد. نظریه‌پردازان مکتب اتریش غیرعادلانه‌بودن خلق پول بانکی را به تورم‌زابودن آن ارجاع داده و با اشاره به اینکه ایجاد پول هیچ منبع جدیدی به وجود نمی‌آورد، تنها نتیجه آن را تورم می‌دانند (Hülsmann, 2008, p.67)؛ جنبه دیگر نابرابری در ترتیبات خلق پول، مربوط به «رتبه‌بندی‌های اعتباری» است؛ بانک به‌طورطبیعی در اعطای وام به ظرفیت بازپرداخت گیرنده اعتبار توجه دارد که این ظرفیت، تابع ثروت و دارایی متقاضی است؛ نتیجه طبیعی این فرایند دسترسی بیشتر ثروتمندان به اعتبار و قابلیت بیشتر این طبقه جهت بهره‌گیری از فرصت‌های سودآور بازار است؛ کارکرد ناخواسته بانکداری ثروتمندتر کردن اغنیا و محروم‌ساختن سایرین از فرصت دسترسی به اعتبار است (Ingham, 2004, p.138).

سومین محور مخالفت با خلق پول، ملاحظات اخلاقی است؛ مخالفان، عملیات متعارف بانکداری را فعالیتی غیرشفاف، فریب‌کارانه و نوعی خیانت در امانت می‌دانند؛ بانک درحالی القا می‌کند سپرده‌های افراد همچنان در دسترس و قابل خرج‌کردن است که پیش‌تر آنها را وام داده و در صورت تقاضای تسویه یکجای درصد معنی‌داری از سپرده‌ها قادر به ایفای تعهد خود نیست؛ بانک‌ها بدون اجازه صاحبان سپرده یا بدون بیان شفاف ماهیت

www.SID.ir

Archive of SID

فعل خود، از سپرده‌ها جهت وام‌دهی و کسب سود بهره می‌گیرند (Hülsmann, 2008, p.94).

محورهای چهارم و پنجم مربوط به عدم توان اعمال حاکمیت به وسیله دولت در نشر پول و تغذیه فعالیت‌های نامولد یا کمترمولد از محل اعتبارات بانکی است؛ در نگاه منتقدان، ایجاد پول یکی از شئون حاکمیت است که عاملان خصوصی به‌هیچ‌روی نباید دخالتی در آن داشته باشند(Fisher, 1936, p.18)؛ خلق پول به وسیله بانک‌ها درعمل یکی از مأموریت‌های حاکمیت را سلب کرده و با توجه به اینکه دولت نماینده عموم است، این کار نوعی تجاوز به حقوق مردم است؛ از حیث تولیدی نیز بانک‌ها ممکن است از قدرت خلق پول در جهت پیگیری اغراض و منافعی استفاده کنند که با بهینه اجتماعی سازگار نیست؛ شواهد تاریخی گویای آن است که بانک‌ها برای بیشینه کردن سود کوتاه‌مدت خود به خلق اعتبار برای بخش‌های غیرمولد و سوداگرانه تمایل دارند(Greenham et al, 2012, p.49).

دیدگاه‌های موافق خلق پول بانکی

دسته‌ای از صاحب‌نظران متذکر وجوهی دیگر از خلق پول بانکی شده‌اند؛ اگرچه این گروه لزوماً از آسیب‌های احتمالی خلق پول بانکی غافل نیستند، اما تمرکز آنها بر فواید این ترتیبات بوده یا به وجود این منافع در کنار آسیب‌ها اشاره می‌کنند؛ ایده اصلی موافقان این است که خلق اعتبار به وسیله بانک‌ها بر امکان‌پذیر ساختن خلق ارزش (تولید) و درنهایت تقویت رشد اقتصادی مؤثر است؛ *شومپیتر* را می‌توان مهم‌ترین چهره در ترویج این نگاه و پیش‌گام آن دانست؛ او در کنار پافشاری بر نقش کارآفرینی و نوآوری در توسعه اقتصادی، توجهی ویژه به مقوله اعتبار و نقش بانک‌ها دارد؛ دلیل جایگاه بلند اعتبار در تحلیل او آن است که فعل کارآفرین و نوآوری وی را نمی‌توان از دسترسی به اعتبار جدا کرد؛ کارآفرین لزوماً دارای سرمایه مورد نیاز برای کسب‌وکار نیست، بلکه در بسیاری موارد آن را از محل اعتبار خلق‌شده به وسیله بانکداران به‌دست می‌آورد؛ سازوکارهای اعتباری زمانی بیشترین اهمیت را می‌یابند که استفاده از اعتبار به سمت تولید «کالاهای جدید» سوق یابد (Croitoru, 2012, p.144). با آگاهی به لزوم دسترسی به منابع مالی جهت آغاز تولید، خلق

www.SID.ir

Archive of SID

پول (اعتبار) به وسیله بانک‌ها سبب کاهش اتکای کارآفرینان به ثروت شخصی شده و این عاملی جهت ارتقای توان کارآفرینی و تولید است (Lau & Smithin, 2002, p.14). برخی طرفداران خلق پول بانکی در عین اذعان به تأثیر منفی اعتبارات بانکی بر بروز حباب‌های قیمتی و سیکل‌های تجاری، معتقدند همین پول اعتباری بانکی بزرگ‌ترین توان موجود در اقتصادهای امروزی است که به نظام اقتصادی پویایی، انطباق‌پذیری و انعطاف داده است (Ingham, 2008, p.230)؛ با ترسیم چنین جایگاهی برای اعتبارات بانکی، پیروان این رویکرد، ازبین‌بردن امکان خلق منعطف پول اعتباری را به معنای بیرون کردن «قوه حیات» از روح اقتصادهای امروزی می‌دانند (Lau & Smithin, 2002, p.15).

خلق پول بانکی در نگاه اندیشمندان مسیحی

دسته‌ای از متولیان دینی در غرب نیز از دیدگاه ارزش‌های مسیحی مدعی ارزش‌داوری در خصوص خلق پول بانکی هستند؛ دیدگاه مشترک همگی آنها عدم سازگاری جریان بانکداری ذخیره جزئی با ارزش‌های پذیرفته‌شده مسیحیت است؛ اصطلاح پرتکرار در ادبیات این گروه «پول صادقانه» (Honest Money) است که ایده‌ای کلی در خصوص وضعیت نظام پولی سازگار با ارزش‌های دینی و دربرگیرنده این کنایه است که نظام جاری پولی دارای چنین صفتی نیست.

کوگلین (Coughlin, 1936) از نخستین افرادی بود که با چنین رویکردی به موضوع پرداخت؛ او پول را بنیادی‌ترین مشکلی می‌داند که برای برقراری عدالت اجتماعی باید حلّ‌وفصل شود؛ به گمان او تنها دولت به عنوان نماینده تمامی مردم باید از اختیار خلق پول برخوردار باشد؛ همان‌طورکه قانون اساسی (آمریکا) نیز قدرت نشر پول را به حاکمیت سپرده؛ اما این قانون در دامنه‌ای محدود اعمال می‌شود.

فاهی (Fahey, 1944) با ذکر اینکه انتشار پول جدید به وسیله بانک‌ها نتیجه پیش‌بینی‌نشده چک‌های مدرن به عنوان جایگزین پول ملی (اسکناس) است، استفاده از این ابزار را تنها به شکلی موجه می‌داند که حقّ ویژه مردم در خلق پول را به آنها بازگرداند. وی در عین تأیید خدمات بانکی، متذکر می‌شود که خلق و نابودی پول به وسیله قرض‌دهندگان سلاحی است که می‌تواند فقر را در عین فراوانی پایدار کرده و افراد جامعه

www.SID.ir

Archive of SID

را در دفاع از منافع خود ناتوان سازد (به آثار توزیعی منفی خلق پول بانکی اشاره دارد)؛ او در ابتدای کتاب خود به نامه‌ای اشاره می‌کند که گروهی از فعالان اقتصادی و پژوهشگران کاتولیک به نماینده پاپ در انگلستان ارسال کرده و در آن، گام اول در مسیر اصلاح ناآرامی‌های کنونی در جهان را ازسرگیری حق ویژه انتشار پول از سوی مردم دانستند (Fahey, 1944, p.1)؛ محور طرح پیشنهادی او، خارج‌ساختن قدرت خلق پول از اختیار عاملان خصوصی و اختصاص آن به حاکمیت است؛ البته وی بین توان خلق پول و وام‌دهی آن تمایز قائل شده و بر این عقیده است که پس از نشر پول به وسیله دولت، وام‌دهی آن نباید در اختیار وی باشد.

نورث (North, 1986) با جزئیات بیشتر به این موضوع پرداخت؛ تلاش وی معطوف به برقراری ارتباط بین ارزش‌های برگرفته از **کتاب مقدس** و بانکداری بود؛ با استناد به این بند از **کتاب مقدس** که «قرض‌گیرنده، خادم (نوکر) قرض‌دهنده است»، او هر نوع نظام پولی مبتنی بر قرض را مردود می‌داند؛ از دیگر موارد ممنوع و مرتبط با بانکداری در آئین مسیحیت، بدهی چندگانه (قرض‌دادن یک چیز به چند نفر) است؛ به‌زعم *نورث* «این کار دقیقاً همان فعلی است که بانکداری ذخیره جزئی در حال انجام آن است» (North, 1986, p.85). او علامت بانکداری صادقانه را این می‌داند که سپرده‌گذار برای مدتی از پول خود دست بکشد؛ زیرا این عدم دسترسی لازمه اجتناب از بدهی چندگانه است. وی بانکداری ذخیره جزئی را متقلبانه و نقض اصل **کتاب مقدس** مبنی بر صداقت در مبادلات دانسته و بر لزوم اعمال قاعده قانونی ذخایر صد درصدی اصرار می‌ورزد؛ با ارجاع به این اصل شرعی که مبادلات باید از جنس «چیزی در برابر چیزی» باشد نه «چیزی در برابر هیچ»؛ او امکان برداشت سپرده‌ها درحالی‌که موجودی آن قبلاً وام داده شده را غیرقابل‌قبول می‌داند.*

*. کتاب‌هایی با رویکرد مشابه به وسیله دیگر نویسندگان مسیحی مانند *درینک‌واتر* (۱۹۳٤م)، *دمپسی* (۱۹٤۳م)، *هولم* (۱۹۵۷م) نیز به رشته تحریر درآمده که به جهت تشابه با ایده‌های فوق‌الذکر و رعایت اختصار از آنها گذر می‌کنیم.

www.SID.ir

Archive of SID

خلق پول بانکی در ادبیات اقتصاد اسلامی

در ادبیات اقتصاد اسلامی نویسندگانی چون *چپرا* و *محسن‌خان* پیشگام توجه به موضوع خلق پول بانکی بوده‌اند که البته ورود آنها غیرتفصیلی و گذرا بوده است؛ به نظر *چپرا* متولی تنظیم و سیاست‌گذاری حجم پول، دولت اسلامی است؛ او اقتصاد اسلامی را در رویارویی با واقعیت خلق پول بانکی، با دو گزینه روبه‌رو می‌داند: نخست، اعمال ذخایر صد درصدی بر بانک‌های تجاری، که به بانک مرکزی اجازه می‌دهد تا به صورت مستقل بر اساس صلاحدید خود به انتشار پول مورد نیاز بپردازد و دوم، تداوم وضع موجود یعنی اجازه دادن به بانک‌های تجاری برای خلق پول، که با علم به پافشاری اسلام بر عدالت در بازتوزیع، ایجاب می‌کند بانک‌های تجاری «ملی» شده یا باید خالص درآمد حاصل از سپرده‌های مشتقه را پس از کسر سهم بانک‌ها، به عنوان مالیات ستاند(Mangla & Uppal, 1990, p.197).

محسن‌خان (Khan, 1986) هم با ایده‌ای مشابه، منابع مالی تجهیزشده در بانک‌های اسلامی را به سپرده‌های دیداری و سپرده‌های سرمایه‌گذاری تقسیم کرده و برای نوع اول ذخایر صد درصدی در نظر می‌گیرد؛ اما ازآنجاکه سپرده‌های سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های دارای ریسک مورد استفاده قرار می‌گیرد هیچ لزومی به نگهداری ذخایر در مورد آنها وجود ندارد.

الجرحی (Al-Jarhi, 2004) مانند سایر همکاران خود بر لزوم نگهداری ذخایر صد درصدی روی سپرده‌های دیداری پافشاری دارد؛ او با این بیان که تفکیک بین سپرده‌های دیداری و سرمایه‌گذاری از اصول نظام پولی اسلامی است، تضمین قطعی سپرده‌های دیداری را نیازمند نگهداری ذخایر صد درصدی می‌بیند؛ زیرا امکان برداشت فوری سپرده‌های دیداری نیازمند آن است که همه ریسک‌هایی که بانک ممکن است در ایفای این تعهد بدان دچار شود، برطرف گردد. به نظر جرحی نظام بانکی بدون تضمین سپرده در برابر نیروهای بازار عکس‌العمل بهتری نشان داده و بانک‌ها بدون توان خلق پول از قدرت انحصاری کمتری برخوردار خواهند بود؛ ثبات نظام نیز به دلیل کاهش امکان ورشکستگی افزایش خواهد یافت؛ بر مبنای معیار برابری هم حق خلق پول تنها باید در اختیار دولت

www.SID.ir

Archive of SID

باشد تا از آن در جهت منافع عموم استفاده کند. در رابطه بانک با سپرده‌گذاران غیردیداری (سپرده‌های سرمایه‌گذاری) به لحاظ حقوقی هیچ تضمینی در بازگشت سپرده وجود نداشته و بانک اسلامی مشابه صندوق سرمایه‌گذاری مشترک (Mutual Fund) یا بانک سرمایه‌گذاری (Investment Bank) عمل می‌کند.

سانی و همکاران (Sani et al, 2012) در مطالعه‌ای با یک عنوان جالب به بررسی بانکداری ذخیره جزئی از حیث تطابق آن با «مقاصدالشریعه» پرداختند؛ به‌زعم آنها بانکداری اسلامی و بانکداری متعارف، فراتر از رویّه‌های حقوقی، در ارزش‌هایی که کل فعالیت بانکداری و چشم‌انداز آن را هدایت می‌کند با هم متفاوت‌اند؛ مقاصدالشریعه منعکس‌کننده نگاه کل‌گرایانه اسلام و روح حاکم بر احکام و دستورات دینی است که شامل مواردی چون عدالت، تعاون و برادری می‌باشد. بر مبنای قضاوت آنها، بانکداری ذخیره جزئی نقض‌کننده اصول مقاصدالشریعه است به این دلیل که:

۱. شریعت از ثروت و رفاه مردم به‌طورعام حمایت می‌کند؛ حال‌آنکه در بانکداری ذخیره جزئی منافع خلق پول نصیب عده‌ای معدود (بانکداران و افراد دارای دسترسی به اعتبارات) می‌شود.

۲. در شریعت جهت‌گیری انتقال ثروت باید از ثروتمدان به فقرا باشد؛ حال‌آنکه سازوکار خلق پول بانکی، ثروتمندان را ثروتمندتر و فقرا را فقیرتر می‌کند؛ خلق پول و تورم ناشی از آن همچون یک مالیات و سازوکاری برای انباشت و تمرکز ثروت عمل می‌کند.

۳. وام‌دادن سپرده‌های مردم بدون اذن آنها نقض اصل عدالت و انصاف است که از نظر اخلاقی مردود و ناسازگار با شریعت است.*

مک‌کوناچی (McConnachie, 2013) با رویکردی مشابه، مباحث موجود در ادبیات بانکداری اسلامی را به جهت تمرکز بر تمهید ابزارهای مالی اسلامی در چارچوب

*. با توجه به کثرت تکرار این اشکال به بانکداری ذخیره جزئی (قرض‌دادن سپرده بدون اذن سپرده‌گذار یا درپیش‌گرفتن رفتاری غیرشفاف جهت پوشاندن این واقعیت) باید متذکر شد در صورت فهم صحیح خلق پول بانکی، درک خواهد شد که فعل بانک‌ها، قرض‌دادن سپرده‌ها نبوده، بلکه ایجاد سپرده جدید از طریق وام‌دهی است.

www.SID.ir

Archive of SID

بانکداری موجود مورد انتقاد قرار داده و معتقد است باید به عقب بازگشت و به چگونگی خلق پول در همان مرحله اول پرداخت؛ سؤال وی این است که «آیا راهی هست که در قالب آن بتوان منشأ خلق پول را به اصول اسلامی نزدیک‌تر ساخت؟»؛ او با اشاره به اینکه نگرانی کلیدی مالیه اسلامی مسئله حذف بهره است، بیان می‌کند که اگر پول به عنوان بدهی- چیزی که باید بازپرداخت گردد- خلق نشود، دیگر بهره‌ای روی آن وضع نمی‌گردد؛ اشاره وی به این حقیقت است که خلق پول بانکی یک فرآیند بدهی‌مبناست که با جایگزینی آن می‌توان بهره را از سرمنشأ خلق پول جدا کرد؛ با این توضیح، وی پول اسلامی را پولی می‌داند که از سرمنشأ به وسیله دولت و بدون بدهیِ با بهره خلق شود؛ البته این حقیقت از نگاه او دور نمانده که این کار، وجود بهره را منتفی نمی‌سازد؛ زیرا بانک ممکن است در تعامل با مشتریان خود بر مبنای بهره عمل کند؛ اما امتیاز این نظام به‌زعم او این است که وضع بهره بر پول خلق‌شده به وسیله عاملان خصوصی را متوقف می‌کند.* وی سوق‌یافتن کارکرد عمومی خلق پول به وسیله بانک‌ها به فعالیت‌های سوداگرانه را نیز از نظر اخلاقی نقد می‌کند.

اما *زبیرحسن* در دو مقاله تفصیلی (Zubair Hasan, 2008 & 2011) با رویکردی متفاوت به موضوع پرداخته است؛ وی درصدد پاسخ به این سؤال برآمده که «آیا بانک‌های اسلامی همانند بانک‌های تجاری مرسوم می‌توانند رویّه خلق پول در پیش گیرند؟»؛ او از دریچه لزوم ارتباط بین بخش حقیقی و بخش اعتباری به موضوع وارد می‌شود. حجم مبادلات، میزان نیاز به پول و رشد آن را مشخص می‌سازد؛ اما این نیاز یک رابطه خطی و ثابت طی زمان نیست، بلکه الگویی ادواری دارد؛ این درحالی است که تغییر در حجم پول نقد (پول دولت یا بانک مرکزی) مقید به تشریفات قانونی فراوان بوده و نمی‌تواند

*. در نقد این ادعا باید متذکر شد که شیوه بانکداری از حیث ذخیره کامل یا ذخیره جزئی بودن آن، لزوماً ارتباطی به قاعده بهره در رابطه بین بانک و مشتریان او ندارد؛ در بانکداری ذخیره جزئی خلق پول لزوماً به عقد حقوقی قرض با بهره گره نخورده، بلکه ممکن است پول خلق‌شده در یک قالب حقوقی مشروع به گیرنده تسهیلات تخصیص داده شود؛ ازاین‌رو حذف بانکداری ذخیره جزئی (و امکان خلق پول) تضمینی برای کنارگذاشتن بهره از عملیات بانکی ارائه نکرده و در بانکداری ذخیره جزئی به صورت نظری این امکان وجود دارد که اعتبار خلق‌شده در قالب عقود مشروع به گیرندگان تسهیلات تخصیص یابد.

www.SID.ir

Archive of SID

به‌سرعت برای برآوردن نیازهای کوتاه‌مدت تعدیل شود؛ در مقابل، وجه امتیاز پول بانکی بر پول حکومت این است که به‌زعم او همین انعطاف‌پذیری است که چنین اهمیتی به بانک‌ها در اقتصادهای امروزی داده است؛ با این حساب، قضاوت او این است که «خلق اعتبار از سوی بانک‌های تجاری برای برآوردن نیازهای کوتاه‌مدت بنگاه‌ها و تعدیل عرضه پول متناسب با نوسانات دوره‌ای در تقاضای آن لازم و ضروری است؛ اگر محققان اقتصاد اسلامی خلق پول بانکی را مردود بدانند، آن‌گاه باید توضیح دهند که در نظامی که مدنظر آنهاست، قبض و بسط مقطعی موردنیاز در عرضه پول چگونه صورت خواهد پذیرفت» (Zubair Hasan, 2008, p.279)؛ وی امکان خلق پول را لازمه رقابت بانک‌های اسلامی با بانک‌های متعارف دانسته و به‌عکس دیگر صاحب‌نظران اسلامی، خلق مضاعف اعتبار را مبتلا به اشکال شرعی خاصی ندیده و معتقد است وقتی بانک و مشتری وضعیت برداشت از حساب را بر حسب توافق بین خود معلوم کرده و از منابع حاصله در موارد مشروع استفاده می‌شود، اصرار بر لزوم نگهداری ذخایر صد درصدی بی‌معناست؛ به نظر وی موضوع اصلی، نه اصل خلق اعتبار بلکه این است که پول خلق‌شده چگونه و در چه محلی استفاده می‌شود (Ibib, p.281).

خلق پول بانکی؛ ارائه یک ارزش‌داوری از دیدگاه اقتصاد اسلامی

به منظور ارائه یک قضاوت ارزشی قابل دفاع از خلق پول بانکی از زاویه ارزشی اقتصاد اسلامی، ابتدا باید مهم‌ترین اصول و ملاک‌های هنجاری برگرفته از چارچوب ارزشی دین اسلام را بیان و سپس فهمی منطبق با واقع از رویّه کنونی خلق پول را به آنها عرضه کرد؛ برای‌این‌منظور، ابتدا به تصریح مهم‌ترین ملاک‌های ارزیابی پرداخته و سپس حقایق موجودِ مرتبط با این ملاک‌ها را مورد ارزش‌داوری قرار خواهیم داد:

تصریح ملاک‌ها

ملاک اول: عدالت

در بین ملاک‌های اقتصادی برگرفته از دین اسلام ملاک «عدالت» دارای تقدم و اولویت نسبت به سایرین است؛ تقدم و اهمیت مفهوم عدل از بسیاری آیات و روایات استخراج

www.SID.ir

Archive of SID

شده و تحقق آن یک اصل قطعی زمینه‌ساز برای حصول اهداف دینی در حوزه اجتماعی تعریف شده است.* در یک تفکیک کلی عدالت ـ از جمله در اقتصاد ـ در دو حوزه «فرصت‌ها» و «نتایج» قابل تعریف است؛ حوزه نخست بر عدم تبعیض در مقدمات پافشاری داشته و ایجاب می‌کند تبعیضی در اعطای امتیازات قانونی و دسترسی به فرصت‌ها وجود نداشته نباشد؛ در این سطح از عدالت، افرادِ برابر به یک اندازه حق استفاده از فرصت‌های اقتصادی ازجمله فرصت ورود به یک فعالیت اقتصادی یا بهره‌مندی از منابع عمومی یا حمایت‌های دولتی را دارند؛ اما حوزه دوم عدالت از دیدگاه دین، به «توازن اجتماعی» یا همان «عدالت توزیعی» مربوط است که محتوای آن ایجاب‌کننده حرکت به سوی تعدیل در شکاف ثروت و درآمد بین افراد در جامعه است (کرمی و پورمند، ۱۳۹۰، ص۱۷٦)؛ این معنا لازم می‌دارد که اولاً، تفاوت در درآمد و ثروت نه ناشی از تبعیض در مقدمات و فرصت‌ها، بلکه صرفاً ناشی از کار (کمیت یا کیفیت کار) باشد و ثانیاً، همه مردم دست‌کم از سطح کفاف [حداقل معاش] در زندگی برخوردار باشند (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص۳٦۲)؛ وجود انفاق‌های واجب و مستحب، احکام و دستورات حقوقی ـ مانند قوانین حیازت یا ارث ـ و اخلاقی ـ نفی اسراف، کنز، تکاثر و ... ـ همگی ابزارهایی با جهت‌گیری‌های مستقیم یا غیرمستقیم به سود تعدیل ثروت هستند (کرمی و پورمند، ۱۳۹۰، ص۱۷۹). برخی تعالیم صریح دینی دال بر عدم تمرکز ثروت گویای آن است که اسلام وضعیتی که در آن شکاف در برخورداری از ثروت و درآمد شدت یابد را نامطلوب پنداشته و سازوکارهای پایدارکننده یا تشدیدکننده تمرکز در برخورداری‌ها را برنمی‌تابد.

ملاک دوم: بارورسازی استعدادهای طبیعت

ملاک دیگر برگرفته از دین مربوط به «مولّدیت» رویّه‌های اقتصادی است؛ از برخی مفاهیم دینی برداشت می‌شود که «عمران» از جمله معیارهای مطلوب دینی است؛ تشویق و تحریک به کار و تولید (خلق ارزش) در سفارشات دینی و وجود مفهوم «استعمارالأرض»، که بر اساس آن وظیفه آبادانی زمین بر عهده انسان نهاده شده، گویای آن است که اقتصاد اسلامی اقتصادی است که در آن از ظرفیت‌های بالقوه و منابع طبیعی و انسانی برای خلق

*. برای بحث مبسوط‌تر ر.ک به: میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵–۱۷۸.

www.SID.ir

Archive of SID

ارزش و تولید ثروت استفاده می‌شود؛ علت امر خداوند به بارورکردن استعدادهای نهفته در طبیعت این است که قوام زندگی به تأمین چیزهایی است که مردم در زندگی بدان نیازمندند (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص۱۸٦).

با این توضیح می‌توان دو ملاک «عدالت» و «مولّدیت» را مهم‌ترین ملاک‌های ارزشی برگرفته از دین اسلام در قضاوت ارزشی در باب رویّه‌های حاکم در نظام پولی دانست؛ البته اصول و ملاک‌های مطلوب در اقتصاد اسلامی صرفاً منحصر به این‌دو مورد نیست،* بلکه علت برجستگی این‌دو معیار در ارزیابی پیش رو، علاوه بر اهمیت ذاتی آنها، این است که بیش از سایر ملاک‌ها می‌توانند مبنایی برای ارزش‌داوری در باب ترتیبات پولی قرار گیرند.

قضاوت ارزشی نهایی

قضاوت از دیدگاه معیار عدالت

ارزیابی صحیح از عادلانه‌بودن خلق پول نیازمند توجه به وجوهی مهم از این پدیده است:

۱. امکان خلق پول به وسیله بانک‌ها متکی به سرمایه‌ای است که متفاوت از سایر کسب‌وکارهاست؛ در تمامی فعالیت‌های بازاری، قوام فعالیت اقتصادی بر سرمایه اولیه، شناخت فن تولید (تکنولوژی)، اکتساب مواد اولیه، به‌کارگیری نیروی کار است و نه حمایت یا تضمین دولت. بانک‌ها در این بین، مؤسساتی هستند که داشته اصلی آنها سرمایه اولیه، ساختمان، تجهیزات و ... نیست، چنان‌که ارزش این دارایی‌ها در مقایسه با بدهی‌های بانک (سپرده‌ها) و گردش مالی وی رقمی جزئی است؛ سرمایه اصلی بانک در بقا و کسب سود، «اعتماد» است؛ بانک در عین داشتن بدهی‌های نقد و کوتاه‌مدت، دارایی‌های ریسکی، غیرنقد و بلندمدت اکتساب می‌کند؛ اما معمولاً از این ناحیه دچار آسیب جدی نشده و با سلامت به فعالیت خود ادامه می‌دهد؛ آنچه بانک را قادر به این می‌کند اعتماد عموم به اعتبار و پذیرفتگی بدهی اوست؛ بقای (رسوب) سپرده‌ها نزد بانک که قدرت خلق پول

*. «کی لایکون دولة بین الأغنیاء منکم»: تا اموال در بین توانگران شما دست‌به‌دست نگردد (حشر: ۷).

www.SID.ir

Archive of SID

ریشه در آن دارد به همین عامل بازمی‌گردد؛ حال سؤال اینجاست که این «اعتماد» و نتیجه آن یعنی «پذیرفتگی عمومی بدهی» چگونه برای یک بانک حاصل شده و می‌شود؟ آیا این دستاورد، مانند سایر کسب‌وکارهای بازار، محصول کارایی بنگاه و برخاسته از انباشت توفیقات او در یک بازار رقابتی است؟ واقعیت آن است که «اعتماد عمومی به بانک و درنتیجه مقبولیّت عام بدهی او که به وی امکان خلق پول می‌دهد، به میزان قابل توجهی به تضمین‌ها و حمایت‌های صریح و ضمنی حاکمیت بازمی‌گردد»؛ قواعدی مانند تضمین سپرده‌های بانکی و دسترسی انعطاف‌پذیر بانک به ذخایر بانک مرکزی، حمایت‌های معمول دولت از پابرجایی بانک‌ها در شرایط عادی است که باید حمایت‌های غیرمعمول در شرایط بحرانی را بر آنها افزود.

۲. بانکداری دربردارنده سوگیری‌های توزیعی در جهت افزایش شکاف در درآمد و ثروت است. اصولاً دسترسی به اعتبار، امتیازی جهت استفاده از فرصت‌های سودآور بازار است؛ رویه متعارف بانکداری این است که این فرصت را در اختیار افرادی قرار می‌دهد که قابلیت بازپرداخت بالاتری دارند؛ قابلیت بازپرداخت به‌طور اصلی تابع دارایی‌ها و ثروت اشخاص (حقیقی یا حقوقی) است که خود را در توان تأمین وثیقه برای وام‌گیری و کسب رتبه‌های اعتباری مطلوب نشان می‌دهد. همه اینها به معنای آن است که اعتبار، به عنوان یک فرصت سودآور، عمدتاً در دسترس اشخاصی قرار می‌گیرد که پیش‌تر از دارایی و ثروت انباشته‌ای برخوردار باشند؛ کارکرد این سازوکارها در مجموع موجب می‌شود گروهی اندک از جامعه یعنی صاحبان سرمایه و دارایی، بتوانند الزامات دسترسی به اعتبار را برآورده سازند و درنتیجه خلق پول بانکی مترادف است با دسترسی بیشتر آنها به فرصت‌های سودآور بازار.

۳. مقصد اعتبارات اعطایی و کارکرد آنها نیز در این خصوص دارای اهمیت است؛ چنانچه اعتبارات بانکی، که بخش وسیعی از آن در اختیار صاحبان ثروت و دارایی انباشته قرار می‌گیرد، از سوی آنان در فعالیت‌های مولد و ارزش‌افزا، به‌ویژه در بخش‌های دارای اولویت اجتماعی بالاتر صرف گردد، این فرایند منافعی برای

www.SID.ir

Archive of SID

عموم مردم نیز خواهد داشت، اگرچه احتمالاً باز هم بیشترین نفع از ارزش خلق‌شده نصیب بانک و گیرنده اعتبار خواهد شد، اما در دامنه‌ای که بانک‌ها از اعتبار در راستای اهداف اجتماعی و خلق ارزش بهره نمی‌گیرند، آثار منفی توزیعی به اوج خود خواهد رسید. حقایق مشاهده‌شده گویای آن است که نظام بانکی در بسیاری موارد (به‌ویژه در ابتدای حرکت توسعه‌ای جوامع) مایل به خلق پول برای تأمین مالی فعالیت‌های همسو با منافع اجتماعی نیست (Basu, 2006, p.292).

با اتکای به این حقایق، ارزیابی خلق پول بانکی با محک معیار عدالت گویای غیرعادلانه‌بودن ترتیبات جاری خلق پول است. قابلیت خلق پول به وسیله بانک‌ها ریشه در پذیرفتگی عمومی بدهی بانک دارد؛ چنان‌که امروزه بدهی بانک از حیث پذیرفتگی (درجه اعتبار) تفاوتی با بدهی دولت (اسکناس) ندارد، این موضوع بدون دخالت و ایفای نقش دولت قابل توضیح نبوده، بلکه در درجه نخست مدیون تضمین ارائه‌شده به وسیله دولت است (Greenham et al, 2012, p.216)؛ تضمین صریح بدهی بانک به وسیله دولت (به شکل بیمه سپرده یا اشکال دیگر) و امکان دسترسی بانک‌ها به ذخایر بانک مرکزی، در کنار حمایت‌های تلویحی و نانوشته‌ای مثل اجرای طرح‌های نجات در مواقع بحران، اگرچه با هدف ثبات پولی و استواری اقتصاد و در اثر انباشت تجارب حاصل از مشاهده پیامدهای منفی ورشکستگی بانک‌ها در نظام پولی امروزی تمهید شده است، اما به‌هرحال گویای آن است که بانک‌های تجاری نسبت به سایر فعالیت‌های بازار از امتیازی ویژه برخوردارند. تضمین‌شده بودن بدهی بانک در عین ریسکی بودن دارایی وی، به عنوان منشأ اصلی وابستگی بانکداری به حمایت دولت است، نه‌تنها «سوبسیدی پنهان» (Werner et al, 2011, p.21) بلکه آشکار است که تنها در اختیار بانکداران قرار داده می‌شود؛ ازاین‌رو «رویّه موجود خلق پول بانکی از حیث انطباق با معیار عدالت، یعنی برابری در فرصت‌ها و غیرتبعیض‌آمیز بودن قواعد، ناموجه و قابل انتقاد است».

جنبه دوم ارزش‌داوری از دیدگاه معیار عدالت مربوط به ارزیابی «کارکرد» خلق پول از حیث سازگاری با معیار «توازن» در برخورداری‌ها یا «عدالت توزیعی» است؛ بانکداری در اثر سازوکارهای مربوط به رتبه‌بندی اعتباری یا الزام به توثیق دارایی برای گرفتن وام، درعمل اعتبارات را به افراد دارای ثروت انباشته سوق داده و استفاده از فرصت‌های

www.SID.ir

Archive of SID

سودآور بازار را برای این گروه بیش از سایر طبقات ممکن می‌سازد؛ یک نکته قابل توجه در این خصوص این است که دسترسی به اعتبار، خود قابلیت ایجاد سود یا تبدیل بازدهی بالقوه به بالفعل را به وجود می‌آورد؛ وقتی بانک به یک کسب‌وکار اعتبار می‌دهد، با این کار به فعلیت‌یافتن بازدهی بالقوه کمک می‌کند؛ این موضوع به این معناست که افرادِ دارای دسترسی به اعتبارات، قابلیت بیشتری جهت محقق‌ساختن بازدهی بالقوه و کسب مازاد دارند؛ از اینجا می‌توان دریافت که دراساس بانکداری (صرف‌نظر از موضوع خلق پول) در درون خود جهت‌گیری‌هایی آشکار در تشدید نابرابری داشته و به صورت غیرعاملی (ناخواسته) ضد توازن در برخورداری‌ها عمل می‌کند و از این حیث با معیار «عدالت توزیعی» نمی‌سازد؛ این تأثیر توزیعی به میزانی که بانک در خلق پول نقش‌آفرین است، وسعت و مصداق خواهد داشت.

قضاوت از دیدگاه معیار مولدیّت (بارورسازی استعدادهای طبیعت)

تأمل در برخی استدلالات طرفداران انعطاف‌پذیری اعتبار، نقش بالقوهٔ مثبت این نهاد را در تحولات توسعه‌ای، نوآوری‌ها و پویایی‌های اقتصادی تأیید می‌کند. واقعیت آن است که دیدگاه بدبینانه یا خنثای مخالفان نسبت به پول و اعتبار یا پافشاری صِرف بر آثار تورمی خلق پول، گویای عدم وقوف به قابلیت‌های نهاد پول و اعتبار است؛ برای تبیین مطلب باید متذکر این نکته شد که تحقق تولید و امکان توسعه آن (رشد اقتصاد)، که شرط لازم کاهش فقر و افزایش برخورداری است، نیازمند دو دسته عوامل یا پیش‌نیازهاست که می‌توان از آنها با عنوان «پیش‌نیازها یا مقدمات نهاده‌ای» و «پیش‌نیازها یا مقدمات نهادی» یاد کرد؛ تحلیل ساده‌بینانه از تولید و رشد اقتصادی، این دستاورد را صرفاً و تماماً به «مقدمات نهاده‌ای» ارجاع می‌دهد و رشد و توسعه را محصول رشد (کمی یا کیفی) نیروی‌کار، ماشین‌آلات، منابع طبیعی و سایر نهاده‌های تولید می‌داند؛ اما واقعیت امر آن است که نهاده‌های تولید در مقایسه با مقدمات نهادی از اهمیت و جایگاه پایین‌تری برخوردارند و عامل اصلی در پیشرفت و توسعه را باید پیشرفت در «مقدمات نهادی» دانست؛ درواقع، پیش‌نیازهای نهاده‌ای که عمدتاً ناظر به منابع طبیعی و انسانی هستند، در سطوح بالای پیشرفت و رشد اقتصادی عاملی محدودکننده محسوب می‌شوند، نه در سطوح ابتدایی و

www.SID.ir

Archive of SID

میانی آن؛ حال‌آنکه الزامات نهادی همواره و به جدی‌ترین وجه، برای تحقق رشد اقتصاد ضرورت دارند؛ مقدمات نهادی حوزه‌ای وسیع از موضوعات را در بر می‌گیرد که یکی از آنها «اعتبار» است؛ اعتبار ابزاری است که فعال اقتصادی (کارآفرین) با داشتن آن قادر می‌شود منابع (نهاده‌های) بیکار را اکتساب کرده و آنها را در جهت انجام تولید به‌کارگیرد؛ با این توضیح، محدودکردن خلق اعتبار، توانایی و قابلیت اقتصاد برای انعطاف در برابر تغییرات روبه‌جلو را کاهش داده و در دنیای امروز تلاشی بی‌حاصل به‌نظر می‌رسد(Pettifor, 2013, p.24). سلب امکان خلق پول بانکی، حتی به فرض اینکه ممکن باشد، به صورت بالقوه از دیدگاه تولیدی اقدامی مطلوب و مثبت نبوده و یک قابلیت مهم نهادی و تمدنی را از اقتصاد سلب می‌کند؛ البته این نافی آن نیست که خلق اعتبار به وسیله بانک‌ها در برخی موارد در جهت اهداف و مقاصد توسعه‌ای و «خیر اجتماع» نیست؛ هیچ تضمینی وجود ندارد که بانک به عنوان یک نهاد سودجو از ظرفیت نهادی اعتبار در مسیر تأمین مالی بخش‌های دارای اولویت اجتماعی بهره گیرد؛ لذا اگرچه خلق اعتبار بانکی به‌طور بالقوه یک ظرفیت مثبت ارزیابی می‌شود، اما در دنیای واقعیت ممکن است پیامد بالفعل آن برای جامعه، دست‌کم در دامنه‌ای، منفی باشد.

پس در ارزش‌داوری در باب مولدیّت خلق پول بانکی می‌توان گفت که «خلق اعتبار به مثابه یک قابلیت نهادی، ظرفیتی برای عرضه منعطف اعتبار و ایجاد امکان اکتساب نهاده‌های بیکار تولید برای کارآفرینان است و از این حیث بر نشر پول به وسیله دولت که متوقف بر طی مراحل پیچیده و بوروکراتیک است، مزیت دارد؛ با وجود این، ممکن است بانکداران، بنابه اقتضای بیشینه‌سازی سود، در دامنه‌ای این ظرفیت را در جهتی مخالف منافع اجتماع به‌کاربرند».

پس قضاوت کلی و نهایی پژوهش از رویّه خلق پول بانکی این است که «خلق پول بانکی به شیوه متعارف به جهت داشتن سوگیری‌های منفی توزیعی و اتکای به امتیازات ویژه، از دیدگاه ملاک عدالت رویّه‌ای غیرقابل‌قبول و ناسازگار با ارزش‌های اقتصادی دین است. برحسب معیار مولدیّت، این پدیده به صورت بالقوه ابزاری کارا تلقی شده؛ اما فعلیت‌یافتن این قوه به‌طور خودکار حاصل نشده و نیازمند قاعده‌گذاری به وسیله حاکمیت با هدف هدایت انگیزه‌های نفع‌طلبانه بانک‌های تجاری و جهت‌دهی آنها به سوی

www.SID.ir

Archive of SID

اولویت‌های مطلوب اجتماعی است»؛ با این قضاوت، جواز خلق پول در بانکداری اسلامی منوط است به تمهید سازوکارهایی از قبیل مالیات‌ستانی بابت گرفتن سهم جامعه (دولت) در امکان‌پذیرسازی خلق پول، همگراساختن مقصد تخصیص اعتبارات با اولویت‌های اجتماعی (به‌نحوی‌که سودآوری بانک را نیز درپی‌داشته باشد) و در کنار آن قائل‌شدن وزنی معنی‌دار برای خلق پول به وسیله دولت برای تخفیف آثار ناگزیر منفی فعل بانک بر توزیع درآمد.

با وجود این، ارائه الگویی جایگزین حاوی جزئیات بیشتر در خصوص مؤلفه‌های یک رویّه مطلوب از خلق پول در بانکداری اسلامی، موضوعی نیازمند پژوهشی مستقل است که آن را به مطالعات آتی محققان موکول می‌نماییم.

جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

سهم بیشتر پول بانکی در اقتصادهای امروزی و قابلیت خلق پول به وسیله بانک‌های تجاری، وجاهت این ترتیبات را از دیدگاه ارزش‌ها و اهداف اقتصادی دین اسلام شایسته بررسی می‌سازد. ارزش‌داوری در خصوص خلق پول بانکی در بین اقتصاددانان و مکاتب اقتصادی موضوعی مناقشه‌انگیز بوده است؛ مخالفانِ خلق پول بانکی آن را ضدثبات، نقض‌کننده اصول اخلاقی، ناعادلانه، ناقض قدرت دولت در اعمال حق حاکمیتی انتشار پول و محرک فعالیت‌های فاقد اولویت اجتماعی معرفی کرده و دیدگاه مقابل نیز منافع و مزایای خلق پول بانکی از حیث فراهم‌سازی اعتبار لازم برای بسط تولید و انعطاف‌بخشی به نظام اقتصادی را خاطرنشان می‌کند. در بین متفکران مسیحی اتفاق‌نظر وجود دارد که خلق پول بانکی از حیث سازگاری با ملاک‌های مهم برگرفته از **کتاب مقدس** یکسره مردود و نیازمند جایگزینی است. در ادبیات اقتصاد اسلامی نیز گرایش غالب در بین محققان مردوددانستن خلق پول بانکی از حیث سازگاری با معیارهای دینی و لزوم سلب این قدرت از بانک‌هاست؛ اگرچه این پیشنهاد مخالفانی نیز دارد.

این پژوهش با پافشاری بر دو معیار اصلی عدالت و مولدیّت، موجه‌بودن خلق پول بانکی را با ارجاع به این‌دو معیار مورد ارزش‌داوری قرار داد؛ نتیجه ارزیابی این بود که خلق انعطاف‌پذیر پول به وسیله نظام بانکی به صورت بالقوه، امکانی در جهت بسط تولید

www.SID.ir

Archive of SID

و خلق ارزش در اقتصاد است؛ اگرچه میزان فعلیت‌یافتن این قوه موضوعی مجزا و درخور تأمل است که متأثر از تمامی عوامل مؤثر بر مقصد تخصیص اعتبارات بانکی است. با توجه به نقش و سهم دولت در پذیرفتگی بدهی بانک ـ و به تبع آن امکان‌پذیرساختن خلق پول ـ قاعده‌گذاری دولت با هدف همسویی کاربرد این ابزار با منافع اجتماع شرط لازم برای موجه‌بودن خلق پول بانکی از دیدگاه این معیار است؛ اما حتی با وجود تحقق این منظور، فعل بانک در تخصیص منابع آثار منفی توزیعی غیرقابل‌اغماضی دربر دارد که ایجاب می‌کند حاکمیت به منظور تخفیف این آثار، قواعدی بر نظام بانکی و همچنین تمهیداتی در جهت تعدیل توزیع درآمد و ثروت در سطح کلان اقتصاد اعمال کند؛ ازجمله بایسته است سهمی از سود خلق پول که به تضمین ـ صریح یا ضمنی ـ بدهی بانک‌ها به وسیله حاکمیت بازمی‌گردد، شناسایی شده و به وسیله دولت به شکل مالیات ستانده شود؛ سهمی معنی‌دار از خلق پول به وسیله حکومت (پایه پولی) برای تأمین مالی طرح‌های اولویت‌دار ملی و سایر بخش‌های دارای اولویت اجتماعی ـ که از بازدهی بالایی برخوردار نیستند ـ حفظ شود؛ لذا مشروعیت خلق پول بانکی منوط است به همسوسازی آن با مطلوب‌های اجتماعی، جداسازی سهم حاکمیت (جامعه) از سهم بانک در منافع حاصله و اندیشیدن تمهیداتی جهت تخفیف آثار منفی توزیعی.

منابع و مآخذ

۱. توتونچیان، ایرج؛ **پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری**؛ تهران: نشر توانگران، ۱۳۷۹.

۲. موسویان، سیدعباس؛ **طرح تحول نظام بانکی**: اصلاح قانون و الگوی عملیاتی بانکداری بدون ربا؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.

۳. کرمی، محمدمهدی و محمد پورمند (نبی‌زاده)؛ **مبانی فقهی اقتصاد اسلامی**؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.

٤. میرمعزی، سیدحسین؛ **نظام اقتصادی اسلام**: مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.

www.SID.ir

Archive of SID

5. Al-Jarhi, Mabid; "Banking Crises: What Chicago And Islam Have in Common: A Comment"; **Islamic Economic Studies**, 11 (No. 2), 2004.
6. Basu, Santonu; "The Role of Banks in The Context of Economic Development with Reference to South Korea and India"; in **A Handbook of Alternative Monetary Economics**, edited by Philip Arestis, Malcolm C. Sawyer, Edward Elgar, 2006 .
7. Coughlin, Charles E.; **Money! Questions and Answers**; Royal Oak, Michigan: The National Union for Social Justice, 1936.
8. Croitoru, Alin; "Schumpeter, J.A., 1934 (2008), The Theory of Economic Development: An Inquiry into Profits, Capital, Credit, Interest and the Business Cycle: A review to a book that is 100 years old"; **Journal of Comparative Research in Anthropology and Sociology**, 3 (No 2), 2012.
9. Fahey, Denis; **Money Manipulation and Social Order**; Dublin: Browne & Nolan, 1944.
10. Fisher, Irving; **100% Money and the Public Debt**; CreateSpace, 1936.
11. Greenham, Tony; Ryan-Collins, Josh; Werner, Richard; Jackson, Andrew, **Where does money come from?**; London: New Economics Foundation, 2012.

www.SID.ir

Archive of SID

12. Hasan, Zubair; "Money creation and control from Islamic perspective", **Munich Personal RePEc Archive**; MPRA Paper No. 28366, 2011.
13. _____; "Credit creation and control: an unresolved issue in Islamic banking"; **International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management**, 1 (No. 2), 2008.
14. Hulme, Anthony; **Morals and Money**; London: St. Paul Publications, 1957.
15. Hülsmann, Jörg Guido; **The Ethics of Money Production**; Ludwig von Mises Institute, 2008
16. Ingham, Geoffrey; **The Nature of Money**; Cambridge: Polity Press, 2004.
17. _____; **Capitalism**; Cambridge: Polity Press, 2008.
18. Khan, M. S.; "Islamic Interest-Free Banking"; Staff Papers 33, International Monetory Fund, March, 1986.
19. Lau, J.Y.F., and Smithin J.; "The role of money in capitalism"; **International Journal of Political Economy**, 32, 3, 2002.
20. Mangla, I. U. and Uppal, J. Y.; **Islamic Banking:** A Survey and Some Operational Issues; The International Institute of Islamic Thought, 1990.
21. McConnachie, Alistair; "How Publicly-Created, Debt-Free Money Addresses the Islamic Concern about Interest"; Available at

www.SID.ir

Archive of SID

http://prosperityuk.com/2013/04/how-publicly-created-debt-free-money-addresses-the-islamic-concern-about-interest/, 2013.

22. North, Gary; **Honest Money**; Ft. Worth, Texas: Dominion Press, 1986.
23. Pettifor, A.; "The Power to Create Money "Out of Thin Air": A Review Essay of Geoffrey Ingham's Capitalism"; **Policy Research in Macroeconomics**, January; London. Available online at www.primeeconomics.org, 2013.
24. Rothbard N. Murray; **The Mystery of Banking**; Ludwig von Mises Institute, Auburn, Alabama, 2008.
25. Sani M. Dangulbi, Arfah Salleh, Ahamed Kameel Meera dan A. Aziuddin; "Fractional Reserve Banking and Maqasid Al-Shariah: An Incompatible Practice?"; May 31, Available at SSRN: http://ssrn.com/abstract=2071164, 2012.
26. Werner, Richard; Dyson, Ben; Greenham, Tony; Ryan-collins, Josh; "Towards a Twenty-first Century Banking and Monetary System"; **NEF & Possitive Money**, 2011.

www.SID.ir

Archive of SID

تقييم امكانية «خلق النقود فى المصارف» فى النظام المصرفى الاسلامى

حسن سبحانى*
حسين درودیان**

الخلاصة

قابلية خلق النقود فى المصارف التجارية، تطرح هذا السؤال وهو هل يمكن الدفاع عن هذه الظاهرة من رؤية الاقتصاد الإسلامى وأهدافها؟ مناهضو خلق العملة المصرفية، يعتقدون بأنه ناقض للمبادئ الأخلاقية وغير عادلة والناقضة لقدرة الحكومة فى حق السيادة فى نشر العملة ومحرضة للأنشطة التى ليست لها أولوية اجتماعية والمناصرون لهذه الظاهرة يؤكدون على ميزاتها الإيجابية مثل توفير الائتمان لتنمية الإنتاج.

يعتقد جميع العلماء المسيحيون بأن خلق النقود مرفوضة من الرؤية الدينية. وفى أدب الاقتصاد الإسلامى أيضا الإتجاه السائد بين الدارسين هو رد قدرة خلق النقود بواسطة النظام المصرفى من الرؤية الدينية. والدراسة هذه تؤكد على معيارين رئيسيين أى العدالة والإنتاجية، تعتقد بأن خلق النقود المرن بواسطة النظام المصرفى، إمكانية كامنة لتنمية الإنتاج وتحقيق العمارة ولكن مستواه العملى حسب الأسباب المؤثرة على مقصد تخصيص الاعتبارات المصرفية. اما من رؤية معيار العدالة، خلق النقود مرفوضة بسبب الاعتماد على امتيازات تمييزية بالإضافة إلى آثارها السلبية فى معنيى التساوى فى الفرص والتوازن فى النتائج. ولهذا التناسق بين خلق النقود وأهداف الدين الاقتصادية بحاجة إلى وجود استراتيجيات للتطابق بين مقصد الاعتبارات المصرفية مع الأولويات الاجتماعية وتخفيض آثار التوزيع السلبية إلى جانب إعادة تعريف نصيب الحكومة (المجتمع) من نصيب المصرف فى أرباح المصرف فى خلق العملة وأخذ الضرائب منها.

الكلمات الأساسية: *خلق النقود، المصرف، العدالة، الحكم على أساس القيم، الحكومة.*

تصنيف مجلة الأدبيات الاقتصادية (JEL): E51, Z12.

* . استاذ فى كلية الاقتصاد بجامعه طهران. Email: sobhanihs@ut.ac.ir.

** . الدكتوراه فى الاقتصاد بجامعة طهران و باحث بمؤسسة مبين للدراسات و البحوث.
Email: h_doroodian@yahoo.com

www.SID.ir